



مطالبات معوق سیستم بانکی

طلب ما از شما چقدر است؟

بین آمار اعلامی رییس بانک مرکزی و بانکها ۱۶ هزار میلیارد تومان اختلاف هست.

محمود بهمنی در پایان سال ۸۷ مطالبات معوق و "سر رسید گذشته" شبکه بانکی را ۳۸ هزار میلیارد تومان اعلام کرد، اما بانکها این رقم را حدود ۲۲ هزار میلیارد تومان عنوان کردند؛ بدین معنی که اسناد بانکی، میزان مطالبات را ۱۶ هزار میلیارد تومان کمتر از رقم اعلام شده از سوی رییس کل بانک مرکزی نشان می‌دهند.

در گزارشی که در بیستمین همایش بانکداری اسلامی توسط مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران منتشر شد، هر یک از بانکها گزارشی از عملکرد یک ساله خود ارائه کردند. یکی از شاخص‌های اعلام شده در این گزارش، مطالبات معوق "سر رسید گذشته" و مشکوک الوصول است. در این گزارش، بانکها به میزان ۴۲ درصد مطالبات خود را کمتر از رقم اعلامی رییس کل بانک مرکزی اعلام کرده‌اند و به نوعی از اعلام رقم اصلی مطالبات سر باز زده‌اند. برای نمونه می‌توان به عملکرد بانک ملی به عنوان بزرگترین بانک ایرانی اشاره کرد. بانک ملی ایران در گزارش اخیر، حجم مطالبات معوق خود را تا پایان سال ۸۷ نزدیک به ۲/۵ هزار میلیارد تومان ذکر کرده، در حالی که به نظر می‌رسد رقم اصلی بیش از این باشد. پیش از این مدیر عامل بانک سپه در گفت‌وگو با یکی از پایگاه‌های خبری در پاسخ به این پرسش که کدام بانک بیشترین حجم مطالبات را دارا است، گفته بود: "هر که بامش بیش برفش بیش تر."

از اظهار نظر اخیر چنین برمی‌آید که میزان تسهیلات و مطالبات هر بانک به حجم فعالیت هر بانک و حضورش

غیردولتی شکل گرفته است.

در سال ۸۴ رقم مطالبات معوق نزدیک به ۶/۷ هزار میلیارد تومان بود که از این میزان ۶/۳ هزار میلیارد تومان متعلق به دولتی‌ها و مابقی متعلق به خصوصی‌ها بود. به بیانی دیگر، حجم مطالبات معوق بانکهای دولتی در سال ۸۴ حدود ۹۴ درصد بوده و تنها شش درصد آن توسط بانکهای خصوصی رقم خورده است. مقایسه آمار سال ۸۴ با سال ۸۷ اشاره به این نکته دارد که وضعیت بانکهای خصوصی از نظر شاخص مطالبات بانکی نامطلوب شده، اما وضعیت بانکهای دولتی رو به بهبود گذاشته است، اما شواهد موجود، عکس نتیجه حاصل شده از آمار ارائه شده توسط خود بانکها است.

بیکاری و بی‌پولی بانکها

دولت نهم برای ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری، طرح بنگاه‌های زود بازده را به طور جدی دنبال کرد؛ طرحی که پیش‌تر در دولت خاتمی آزموده شده و ناکام مانده بود. با این حال دولت نهم با تغییر مدیران بانکی و حتی رییس کل بانک مرکزی برای همراه‌تر کردن شبکه بانکی با سیاست‌های مورد نظر خود، موجبات پرداخت تسهیلات بیشتر را فراهم کرد. از سوی دیگر سفرهای استانی دور اول و دور دوم دولت نهم نیز منجر به فشار بیشتر بر بانکها برای تأمین منابع مالی طرح‌های مصوب شد. گفته می‌شود حتی مدیران بانکی در بحبوحه پرداخت تسهیلات به تبع نظرات استانداری‌ها از گرفتن وثایق لازم چشم‌پوشی کرده‌اند.

گزارش بانک مرکزی نیز روند افزایش ناگهانی مطالبات معوق بانکی را تأیید می‌کند. بر اساس گزیده آمارهای بانک مرکزی، مطالبات معوق در پایان سال ۸۴ حدود ۷ هزار میلیارد تومان بوده که در پایان سال ۸۷ (بنا به گفته بهمنی) ۲۸/۳ هزار میلیارد تومان شده است، یعنی مطالبات معوق سال ۸۷ نسبت به سال ۸۴ حدود ۴۴۷ درصد رشد کرده با

در شبکه بانکی بستگی دارد و هر چه این میزان بیشتر باشد، مطالبات بانک نیز افزایش خواهد یافت. اما در این گزارش، بانک ملی با وجود داشتن بیشترین بازار شبکه بانکی در رتبه چهارم از نظر مطالبات بانکی قرار دارد. بانک سپه با ۳/۹ هزار میلیارد تومان در جایگاه نخست و بانکهای تجارت و صادرات با ۲/۸ و ۲/۶ هزار میلیارد تومان به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

آمار اخیر در خصوص میزان مطالبات معوق و "سر رسید گذشته"، در حالی از سوی بانکها منتشر شده که محمود بهمنی از اواخر سال گذشته تاکنون، رقم مطالبات معوق را بدون تغییر ۳۸/۳ هزار میلیارد تومان ذکر کرده است. با استناد به گفته‌های مسئولان و به ویژه پورمحمدی، رییس سازمان بازرسی کل کشور، بانکها هیچ اقدامی برای وصول مطالبات و به اجرا گذاشتن وثایق انجام نداده‌اند. این دو نکته بر این امر تأکید دارند که میزان مطالبات معوق از آخرین ماه پایانی سال ۸۷ تا کنون که هشت ماه از سال جاری می‌گذرد، بدون تغییر مانده و کاهش نیافته است. پس فرض کاهش مطالبات از رقم اعلامی محمود بهمنی به رقم اعلامی توسط بانکها یعنی ۲۲ هزار میلیارد تومان محال است.

از آمار ۲۱/۹ هزار میلیارد تومان مطالباتی که توسط بانکها برای سال گذشته منتشر شده است ۱۶/۹ هزار میلیارد تومان مربوط به بانکهای دولتی و ۵ هزار میلیارد تومان آن مربوط به خصوصی‌ها است. به عبارت دیگر ۷۷ درصد مطالبات در بانکهای دولتی و ۲۳ درصد آن در بانکهای

به بیان دیگر مطالبات معوق در چهار سال گذشته حدود ۵/۵ برابر شده است، در حالی که آمار بانکها نشان دهنده ۲۲۵ درصد رشد می‌باشد.

کدام بانک طلبکار است؟

آمار تفکیکی هر یک از بانکها نشان می‌دهد که بانک ملت با ۱/۸ و بانک رفاه کارگران با یک هزار میلیارد تومان در رتبه‌های پنجم و ششم بیشترین مطالبات معوق قرار دارند. بانکهای کشاورزی، مسکن، صنعت و معدن، توسعه صادرات و پست بانک، هر یک به ترتیب با ۷۸۶، ۶۰۰، ۵۷۳، ۴۹ و ۲۵ میلیارد تومان مطالبات معوق در رتبه‌های دیگر قرار گرفته‌اند.

هر آن چه که ذکر شد مربوط به آمار سال ۸۷ است. مقایسه این آمار با آمار اعلام شده در سال ۸۶ گویای این نکته است که مطالبات معوق برخی از بانکها نه تنها افزایش نیافته، بلکه با کاهش نیز مواجه شده است. در بانکهای دولتی، بیشترین رشد معوقه‌ها با ۴۳۲ درصد متعلق به پست بانک است. پس از آن، بانک سپه با ۸۵ درصد، بانک مسکن با ۳۸ درصد، بانک تجارت با ۳۶ درصد و بانک صادرات با ۱۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. رشد مطالبات معوق دیگر بانکها چون رفاه کارگران و کشاورزی ناچیز بوده و در واقع زیر ۱۰ درصد است. بیشترین کاهش مطالبات معوق نیز به بانک صنعت و معدن با ۳۹ درصد تعلق دارد. پس از آن، بانک توسعه صادرات با ۳۳ درصد، بانک ملی با ۷ درصد و بانک ملت با ۵ درصد کاهش مواجه بوده‌اند.

اما وضعیت بانکهای خصوصی از نظر حجم و میزان رشد این مطالبات منطقی تر به نظر می‌رسد. از هشت بانک و مؤسسه خصوصی، مطالبات هفت بانک بارشده قابل توجه مواجه شده است. بیشترین رشد میزان مطالبات معوق در این گروه در بانک سرمایه با ۹۳۴ درصد رشد به چشم می‌خورد. سپس بانک سامان با ۴۰۰ درصد، بانک اقتصاد نوین با ۲۷۲ درصد، کارآفرین با ۱۶۶ درصد، سینا با ۳۴ درصد و بانک پارسیان با ۲۹ درصد رشد قرار دارند. تنها مؤسسه مالی و اعتباری توسعه با اقداماتی که در سال ۸۶ و ۸۷ انجام داد، مانند نصب پارچه در سردر املاک و وثیقه با عنوان "حراج" و اقدامات قضایی توانسته است معوقه‌های خود را حدود ۴۵ درصد کاهش دهد. بانک پاسارگاد نیز که جزو بزرگترین بانکهای خصوصی به شمار می‌رود، هیچ گونه آماری در خصوص میزان مطالبات معوق خود در گزارش عملکرد نظام بانکی در سال ۸۷ ارائه نکرده است. به نظر می‌رسد آن چه که در خصوص عملکرد بانکهای خصوصی در این بخش بیان شد، شامل بانک پاسارگاد نیز می‌شود و حجم مطالبات معوق این بانک همچون دیگر بانکهای این گروه با افزایش شدید مواجه شده باشد.

در این جا ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد. نخست آن که آمار مطالبات معوق تا مهر ماه ۸۶ در نشریه گزیده آمارهای اقتصادی با سرفصلی جداگانه ارائه می‌شد، اما از

این تاریخ به بعد، این سرفصل به دلیل افزایش ناگهانی میزان مطالبات معوق با دو سرفصل دیگر ادغام شد، به طوری که دسترسی به آمار مطالبات معوق غیر ممکن گردد. در نتیجه همگان باید در انتظار اعلام آمار مطالبات معوق توسط رؤسای کل بانک مرکزی باشند که در بسیاری موارد از اعلام آن خودداری می‌کنند.

نکته بعدی مربوط به واگذاری سه بانک ملت، صادرات و تجارت است که جزو بزرگترین بانکهای کشور محسوب می‌شوند و طبیعی است که حجم فعالیت‌های بیشتری نیز داشته باشند. چنان که ذکر شد مطالبات معوق بانکهای اخیر در رده‌های بالایی قرار دارند. پس لازم بود که این سه بانک در زمان واگذاری

از شرایط مطلوب‌تری برخوردار باشند. به همین دلیل، معوقه‌های برخی از آنها کاهش داده شد تا خریداران تمایل بیشتری به خرید سهام آنها از خود نشان دهند. بانکهای دیگر نیز به پیروی از آنها در گزارش اخیر، میزان مطالبات معوق خود را غیر واقعی اعلام کرده‌اند. البته این پرسش را باید بانک مرکزی پاسخ دهد که آیا دلیل اختلاف آمار ارایه شده توسط رئیس کل بانک مرکزی و آمار اعلامی بانکها در انعکاس وام‌های پرداختی بانک مرکزی به شرکت‌های دولتی، مؤسسات و سازمانها در محاسبات این بانک و طبیعتاً عدم انعکاس این آمارها در محاسبات سایر بانکها است یا اختلاف آماری مذکور، علت دیگری دارد؟ ■

نگاهی به بازار موبایل

یک کالا و چند سیاست

اتخاذ سیاست‌های نابجای تعرفه‌ای در بازار موبایل به جهت حمایت از تولیدکننده داخل، چند سالی است که بازار این صنعت را ملتهب کرده است.



شاید روزی که وزیر بازرگانی دولت نهم، جامعه رسانه‌ای کشور و فعالان بخش خصوصی در حوزه تلفن همراه را شوکه کرد و تعرفه واردات این کالا را از ۴ درصد به ۶۴ درصد افزایش داد، تصور نمی‌کرد این تصمیم ناگهانی بازار را تا چند سال تحت الشعاع قرار دهد. آن روزها که دولت نهم تازه کار خود را آغاز کرده بود، مانند دیگر دولت‌های دوران جمهوری اسلامی، داعیه حمایت از تولید داخلی و خصوصی‌سازی را طرح کرد. همین قدم بلند که در بهار ۸۵ برداشته شد، با هدف حمایت از تولید داخلی بود؛ حمایت از سرمایه‌گذارانی که ناگهان پرده برانداخته بودند و اعلام آمادگی کرده بودند تا از خروج ۵ تا ۶ میلیارد دلار ارز از کشور جلوگیری کنند.

به هر طریق، حمایت از تولید کالایی که مصرف‌کنندگان به صورت شگفت‌انگیزی در حال افزایش بودند در دستور کار دولت قرار گرفت و بازار با گرانی یک شبه دگرگون شد. در شرایطی که واردکنندگان واقعی برای برطرف کردن نیاز رو به فزونی بازار، مجبور به پرداخت هزینه‌ای گزاف می‌شدند، سرمایه‌گذارانی که همراه با وزیر بازرگانی دولت نهم، از زمان امضای قرارداد تولید چند میلیون دستگاه تلفن همراه، عکس یادگاری گرفته بودند، در به در به دنبال وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی بودند. در این میان، اوضاع تنها بر وفق مراد سودجویان بود و طولی نکشید که بازار به دست قاچاقچیان افتاد.

از همان سال بود که واردات قاچاق گوشی تلفن همراه به کشور، سیر صعودی خود را آغاز کرد و پایه گرانی‌ها بنا گذاشته شد و خریداران، بی‌اعتماد و سردرگم میان

گوشی‌های قاچاق و واردات رسمی بازار ماندند و خلاصه این که هر کسی - حتی دولت - به غیر از قاچاقچیان در این میان خسارت دید. همین اوضاع نابه‌سامان، بدعت‌گذار روش‌های نوینی در فروش گوشی تلفن همراه در بازار شد. فروش گوشی‌های سریال چنج شده با قیمتی کمتر و بعدها فروش گوشی با گارانتی متفرقه که هنوز هم گریبانگیر بازار تلفن همراه است، تنها نمونه‌هایی از این بدعت در بازار گوشی موبایل ایران است.

تداوم روش‌های غلط

این ترفندها برای به دست آوردن بازار ابداع شد؛ گوشی ارزان‌تر، مشتری بیشتر. دولت نیز سعی کرد در جبهه مقابل اقدامی صورت دهد؛ الزام برای ثبت سریال گوشی‌های تلفن همراه و پیگیری گوشی‌هایی که سریال آنها به ثبت نرسیده است. مدت کوتاهی این روش دولت